###### 28

###### azad

###### دانشگاه آزاد اسلامي

###### واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**بررسي اعتبار حقوقي قطعنامه ها و وتوهاي شورای امنيت**

# پيشگفتار ( تاريخچه و طرح بحث)

پس از پايان يافتن جنگ جهاني اول، كنفرانس صلحي در پاريس تشكيل شد كه اولين دستور جلسه اش حل مسالمت آميز مناقشات بين كشورها بود. پيش نويس مشترك آمريكا و بريتانيا( پيش نويس هوست ميلر) مبناي بحث درباره ي تشكيل جامعه ي ملل قرار گرفت . كميسيون ويژه اي مركب از 19 عضو، تحت سرپرستي رئيس جمهور آمريكا و دروويلسون تشكيل شد تا ميثاق جامعه ي ملل را تهيه نمايد، اين ميثاق در 28 آوريل 1919 مورد تائيد تمام اعضاي مربوطه قرار گرفت و 26 ماده‌ي اول آن جزء پيمان ورساي درآمد. اين ميثاق به نحوي صريح و دقيق استقرار جامعه ي ملل را به نام
« طرفين معظمين متعاهدين» اعلام داشت و هدفهاي بزرگي چون جلوگيري از جنگ و حل مسالمت آميز مناقشات را تعيين كرد. صلاحيت اين سازمان در مورد مقابله با تهديدات صلح از هر طرف اعلام شده بود و مقرر گرديده بود كه داوريها و مصالحه هاي آن شامل تمام مناقشات شود. جامعه ي ملل همچنين مي بايست همكاريهاي بين المللي در زمينه هاي اقتصادي و اجتماعي را افزايش دهد و نيز وضع موجود مقرر شده در كنفرانس صلح پاريس 1920 را حفظ كند، بنابراين با اين زمينه ي قبلي بود كه نقش مديريت كشورهاي برنده ي جنگ به جامعه ي ملل منتقل شد. (اداره ي نظام قيمومت و حفظ اقليتهاي ملي، همراه با ساير وظايف اداري، نمونه هايي از اين نقش بودند).

اما با وقوع جنگ جهاني دوم جامعه ي ملل تجربه ي دلسرد كننده اي بيش نبود. اين سازمان نه تنها به اهداف بلند پروازانه و اتوپياي خويش دست نيافت، بلكه در هدف اصلي و اوليه ي خود كه همانا حفظ صلح و امنيت بين المللي بود، ناكام ماند. گر چه دوران حيات جامعه ي ملل ، كوتاه (20 سا ل ، 1940-1920) و آشفته، موفقيت آن زودگذر و عاقبتش ملال انگيز بود، لكن جايگاهي بس مهم را در تاريخ براي خود حفظ نموده است. جامعه ي ملل نخستين حركت موثر در جهت ايجاد نظام سياسي و اجتماعي جهاني بود كه در آن منافع مشترك بشريت در وراي سنن ملي، اختلاف قوي و نژادي يا جدايي جغرافيايي قابل رؤيت و خدمت بود. وقوع جنگ جهاني دوم لزوم سازماني كارآمدتر و داراي توانايي عملكرد بيشتر را بيش از پيش نمايان ساخت. در 14 اوت 1941 پيمان آتلانتيك به امضاي روزولت، رئيس جمهور آمريكا و چرچيل، نخست وزير بريتانيا رسيد. در اين اعلاميه، دو سياستمدار، علاوه بر ذكر اصولي مانند عدم توسعه طلبي ارضي، حقوق مساوي ملل اعم از غالب و مغلوب در انتخاب نحوه ي حكومت خود، دسترسي همه ي ملل به منابع اقتصادي طبيعي و بازرگاني، خودمختاري و خلع سلاح، اظهار اميدواري كردند كه پس از شكست آلمان ، صلح برقرار و امنيت براي همه تأمين گردد.

در اول ژانويه ي 1942 بيست كشور از جمله آمريكا عليه فاشيسم وارد جنگ شدند و همان روز اعلاميه اي را امضا كردند كه به اعلاميه ي ملل متحد معروف است. در اين اعلاميه پس از قبول اصول پيمان اقيانوس اطلس ( پيمان آتلانتيك) امضاء كنندگان موافقت كردند كه تمام قواي نظامي و اقتصادي خود را عليه دول محور به كار انداخته و هيچ كدام با دشمنان ، صلح جداگانه نخواهند داشت، ولي اشاره‌اي به ايجاد يك سازمان براي برقراري صلح و امنيت نكردند و فقط در كنفرانس مسكو در اكتبر 1943 بود كه 4 دولت آمريكا، شوروي، بريتانيا و چين لزوم ايجاد يك سازمان بين المللي را كه براساس «مساوات كليه ي دول و به منظور تأمين صلح و امنيت» باشد اعلام داشتند و در كنفرانس تهران( سال 1943) روزولت، استالين و چرچيل مسئوليت خود و كليه‌ي دول متحد را در ايجاد يك صلح دائم و دور كردن خطر جنگ براي نسل هاي آينده اعلام نمودند ، اما اولين قدم عملي براي ايجاد سازمان ملل متحد در اوت 1944 در دمبارتون اوكس (Dumbarton Oaks) برداشته شد كه در آن پيشنهادهايي مطرح شد كه در طرح اوليه ي آن سازمان
مي بايست از همه جهت پيشروتر از جامعه ي ملل باشد. در فوريه‌ي 1945 روزولت، استالين و چرچيل به منظور بحث، پيرامون پيشنهادهاي مطرح شده در دمبارتون اوكس و تصميم گيري درباره ي تشكيل كنفرانس بين المللي براي ايجاد سازمان آينده در يالتا با يكديگر ملاقات كردند. در اين كنفرانس بود كه موضوع رأي در شوراي امنيت مورد بحث واقع و طريقه ي اكثريت آراء در مسائل تشريفاتي و آيين نامه ها و اكثريت آراء كه در آن الزاماً بايد 5 رأي اعضاء شورا( آمريكا، شوروي، چين، فرانسه و انگليس) گنجانده شود، براي مسائل مهم برقرار شد و در اين كنفرانس ( يالتا) تصميم گرفتند كه در 25 آوريل 1945 كنفرانسي در سان فرانسيسكو براي تهيه ي اساسنامه ي سازمان ملل بر طبق اصول پذيرفته شده در دمبارتون اوكس ترتيب دهند. به موازات اوليه ي جنگ در فاصله ي 25 آوريل تا 26 ژوئن 1945، 50 كشور به منظور بحث درباره ي سازمان بين المللي در سان فرانسيسكو با يكديگر ملاقات و در 26 ژوئن 1945 منشور سازمان ملل متحد را امضاء كردند. ( تعداد شركت كنندگان كه دراكتبر آن سال قطعنامه ي كنفرانس را امضاء كردند به 51 دولت رسيد) و در 31 ژوئيه‌ي 1947 جامعه ي ملل رسماً منحل و سازمان ملل جانشين آن شد.

در بررسي تمايز بين ميثاق و منشور مي توان موارد ذيل را مورد اشاره قرار داد:

1- منشور اهميت فراواني براي مسائل اقتصادي و اجتماعي قائل است. بدين منظور يكي از اركان اصلي سازمان ملل به نام شوراي اقتصادي و اجتماعي ناميده شده است، درحالي كه جامعه ي ملل فاقد چنين ركني بود و نسبت به مسائل اقتصادي و اجتماعي چنانچه شايسته بود ، توجه نمي كرد.

2- وظايف و حدود اختيارات شورا و مجمع در منشور نسبت به ميثاق به مراتب واضح تر ، مشخص تر و معين تر است.

3- در جامعه ي ملل براي اتخاذ تصميم ( به استثناي موارد خاص) در شورا و يا مجمع، اتفاق آراء اعضاي حاضر، لازم بود، در حالي كه در سازمان ملل تصميمات شوراي امنيت با 9 رأي و تصميمات اساسي مجمع عمومي با دو سوم آراي اعضاي حاضر و رأي دهنده و ساير تصميمات با اكثريت نسبي ( نصف به علاوه ي يك ) اعضاء حاضر رأي دهنده اتخاذ مي شود.

4- اصلاح و تغيير ميثاق وقتي به مورد اجرا گذاشته مي شد كه از طرف تمام اعضاي شورا و اكثريت اعضاي مجمع به تصويب مي رسيد. بنابراين در اين مورد هر يك از اعضاي شورا اعم از كوچك يا بزرگ داراي حق وتو بودند. در صورتي كه در منشور فقط اعضاي دائمي شوراي امنيت براي دادن قدرت اجرايي به تغييرات مصوب عملاً داراي حق وتو هستند.

5- در منشور قواعدي راجع به سرزمين هاي غيرخود مختار وجود دارد، ( مواد 73 و 74) كه براي تمام كشورهاي عضو سازمان، الزام آور است. درصورتي كه ميثاق فاقد چنين قواعد و اصولي بود. علاوه بر اين نظام قيمومت منشور، جامع تر و مترقي تر از نظام قيمومت ميثاق جامعه ي ملل است.

6- در منشور عمليات و قراردادهاي ناحيه اي به منظور حفظ صلح و امنيت بين المللي به طور وسيع تري نسبت به ميثاق درنظر گرفته شده است.

7- منشور به مراتب بيش از ميثاق براساس پيشگيري پايه گذاري شده است تا بر اساس درمان درد پس از بروز حادثه، به همين دليل منشور براي مسأله ي همكاري و تعاون بين المللي در امور اقتصادي و اجتماعي ، حقوق بشر و آزادي هاي اساسي ، منافع و رفاه عمومي مردم دنيا و مردم سرزمين هاي مستعمره ي غيرخود مختار، اهميت فراواني قائل شده است.